

مؤلفه‌های هوش اخلاقی در صحیفه سجادیّه (دعای مکارم الاخلاق)

محمد مهدی حاجیلونی محب*^۱، مژگان احمدی^۲، رقیه خلیلی^۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱	بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵
پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳	انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

چکیده

برخورداری انسان از اعتقادات پایدار اخلاقی، رفتار بر پایه هنجارها و پذیرش مسئولیت کارهای خویش، در نزد روان‌شناسان، به‌عنوان هوش اخلاقی یاد شده که مؤلفه‌ها و اصولی را برای آن بیان کرده‌اند. این موضوع، پیش‌تر در آموزه‌های دینی به شکلی متفاوت طرح شده است. در کنار دیگر منابع مکتوب دینی، صحیفه سجادیّه با عرضه مباحث اخلاقی در قالب دعا، منبعی برای کاوش پیرامون هوش اخلاقی می‌باشد. جستار حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، به دنبال دستیابی به مؤلفه‌ها و اصول هوش اخلاقی در دعای مکارم الاخلاق این کتاب شریف است. در همین راستا، مفهوم و مؤلفه‌های هوش اخلاقی از نگاه روان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته و وجوه مشترک این دیدگاه‌ها استخراج و عرضه شد. وجوه موردنظر، در چارچوب هوش اخلاقی و در دعای مکارم الاخلاق، پی‌جویی و گردآوری گردید. حاصل این‌که شش مؤلفه در این دعا بیان شده، شامل: «درست‌کاری، راستی و صداقت در نیت، گفتار و رفتار؛^۱ خدمت‌رسانی و گره‌گشایی، با عبارت برادری مردم؛^۲ گذشت و چشم‌پوشی و خوبی کردن به دیگران در برابر بدی آنان؛^۳ قدرشناسی و سپاس‌گزاری برای ایجاد و ثبوت رفتارهایی محترمانه با دیگران؛^۴ احترام و ارزش‌گذاری برای انسان‌ها؛^۵ رعایت عدالت و انصاف، چنان‌که انسان‌ها در جامعه-ای باهوش اخلاقی بالا، نه ظلم می‌کنند و نه، مورد ظلم قرار می‌گیرند». بررسی هم‌زمان هوش اخلاقی در منابع روان‌شناسی و دینی، بازنمایی این موضوع در دعای مکارم الاخلاق و نیز، دستیابی به وجوه شش‌گانه مشترک نظریه هوش اخلاقی، از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق، هوش اخلاقی، صحیفه سجادیّه، دعای مکارم الاخلاق.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) hajilouei@basu.ac.ir

۲- دانش‌آموخته سطح چهار و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه علمیه خاوران همدان mohammadi@whc.ir

۳- دانش‌آموخته سطح سه و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه علمیه خاوران همدان r.khalili@whc.ir

۱. مقدمه

بنیان و شاخصه‌های آفرینش انسان به گونه‌ای بوده که نیازمند برقراری روابط گسترده با دیگران، در جهان پیرامونی خود است. روش زندگی آدمی و نوع زندگی مادی و معنوی او، ارتباطش را با محیط بیرونی ضرورت بخشیده، تا نیازهایش را برطرف کرده و تداوم حیات را ممکن سازد. این مهم، همواره در فرآیندی منظم به سامان نرسیده و گاه، با تنش و درگیری همراه بوده است.

انسان اندیشمند و رشد یافته، نیازهای حقیقی خود و اطرافیان را درک کرده و با در نظر گرفتن اهداف متعالی و درازمدت، زندگی توأم با پیشرفت و به دور از پیامدهای نامطلوب و تنش‌ها را برمی‌گزیند. اخلاق و اخلاق‌مداری می‌تواند این موضوع را در فرآیندی مناسب، به سامان رساند. اخلاق به‌عنوان سرمایه فردی و اجتماعی، پیش‌شرط زندگی مطلوب انسانی است. مبانی و شیوه‌های اخلاقی انسان‌ها، از جهان‌بینی آنان سرچشمه گرفته و بیانگر دیدگاه‌های متفاوت پیرامون خداوند، جهان پیرامونی و انسان و مسیر رشد و سعادت می‌باشد.

۱-۱. بیان مسأله

هوش و ساحت‌های گوناگون آن؛ از جمله متغیرهای مهم، در مباحث مرتبط با روان‌شناسی است. پرواضح است که هوش، نقشی مهم و بنیادین را در زندگی انسان‌ها بر عهده داشته و آدمی با بهره‌گیری از این موهبت الهی، خواهد توانست در راستای دستیابی به دانش، اخلاق، کمال و سعادت قدم بردارد. همواره اخلاق و زیست اخلاق‌مدارانه مورد توجه اندیشمندان قرار داشته و آنان، به دنبال یافتن چارچوبی ساختاریافته، برای ارائه مباحث اخلاقی بوده‌اند. موضوع هوش اخلاقی و اصول و مؤلفه‌های آن، از مباحث نوپدید بوده که توانایی روش‌مند کردن و ارتقاء اخلاق را دارد. برپایه مطالب پیش‌گفته، بهره‌گیری از هوش و مباحث هوش اخلاقی، برای راه‌یابی به زیست اخلاقی و تنظیم روابط انسانی با جهان پیرامونی مؤثر و مفید است.

زاویه دیگر این مسأله، به مباحث درون دینی بازمی‌گردد. عقاید، احکام و اخلاق، سه ساحت مباحث دینی است. بدین روی، آموزه‌ها و متون اسلامی به موضوع اخلاق و اصول ایجابی و سلبی آن توجه شایانی داشته‌اند. صحیفه سجادیّه از جمله این متون بوده که توانسته است بنیان، چارچوب و قوانین اخلاقی را به زبان دعا عرضه نماید. دعای بیستم صحیفه سجادیّه با نام مکارم الاخلاق، اقیانوسی از مباحث اخلاقی والا را در خود جای‌داده است. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و مراجعه به منابع

کتابخانه‌ای، به دنبال بازشناخت اصول و مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دعای مکارم الاخلاق بوده، تا بنیان‌های این موضوع را استخراج و عرضه کرده و به پرسش‌های زیر، پاسخی شایان دهد:

۱. چه معنا و مؤلفه‌هایی برای هوش اخلاقی در روان‌شناسی بیان شده است؟
۲. چه مؤلفه‌هایی از هوش اخلاقی در دعای مکارم الاخلاق وجود داشته و چارچوب فرآیندی آنان چگونه است؟

باید بیان داشت که روان‌شناسان، برای محورهای سه‌گانه هوش اخلاقی، شامل: «برخورداري انسان از اعتقادات پایدار اخلاقی - رفتار بر پایه هنجارها - پذیرش مسئولیت کارهای خویش»، مصادیق فراوانی بیان کرده‌اند. اما با جمع‌آوری، دسته‌بندی و حذف موارد پراکنده، اصول شش‌گانه‌ی مشترکی به دست می‌آید که مبنای کار پژوهش حاضر قرار گرفته است. بررسی‌های اجمالی نشان از این دارد که مؤلفه‌ها و ساخت‌های هوش اخلاقی، در دعای مکارم الاخلاق قابل بازنمایی می‌باشد. این متن از نظر مفهومی، ظرفیت و اثربخشی لازم را دارا بوده و راهبردی مؤثر، برای افزایش هوش اخلاقی و ارتقاء زیست اخلاق-مدارانه است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی پیرامون هوش و هوش اخلاقی از دیدگاه روان‌شناسان صورت گرفته، چنان‌که کاوش‌هایی پیرامون صحیفه سجاده‌یه به سرانجام رسیده است. اما پژوهشی که مسأله هوش اخلاقی را در صحیفه سجاده‌یه مورد بررسی قرار داده باشد، وجود نداشته و نوآوری پژوهش حاضر، در همین راستا می‌باشد. برخی پژوهش‌های نزدیک به محورهای مورد بحث، بدین شرح است: مقاله «مطالعه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در پرتو اندیشه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه»، از خانی و فرهادی‌نژاد، مؤلفه‌های هوش اخلاقی را معناداری زندگی، آخرت‌اندیشی و باور به نظارت مستمر الهی می‌داند. در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و معصومین (ع)»، اثر مختاری‌پور و سیادت؛ مهربانی، خودکنترلی، انصاف، عدالت و... به‌عنوان مؤلفه‌های هوش اخلاقی معرفی گردیده است. هم‌چنین، قنبری و کریمی در تحقیقی با موضوع «مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه»، ارزش‌محوری، خودانگیختگی، خودآگاهی و... را جزء مهم‌ترین مؤلفه‌های هوش معنوی برشمرده‌اند. البته روان‌شناسان آثار دیگری را به صورت تطبیقی، در زمینه هوش معنوی با محوریت گروه‌های اجتماعی و حرفه‌ای انجام داده‌اند، مانند: دانش‌آموزان، دانشجویان، مدیران، پرستاران و... از جمله این تحقیقات:



«هوش اخلاقی و مفهوم این واژه در حرفه پرستاری»، اثر حشمتی و یوسفی که در آن، به موضوع به-کارگیری تجارب اخلاقی و هوش اخلاقی پرستاران در کنار مهارت‌های بالینی اشاره شده که این فرآیند، در ارتباط پرستار و بیمار نقش به‌سزایی دارد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

رشد انسان و اجتماع درگرو ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به هنجارها است. اگر در جامعه‌ای ضرورت‌ها و چارچوب‌های اخلاقی به‌صورت دقیق رعایت نشود، زمینه انحطاط و سقوط آدمی و جامعه فراهم می‌گردد. پیشرفت فناوری در جوامع امروزی و تغییر نوع و گستره روابط اجتماعی، بازتعریف روش‌های تقویت زندگی اخلاقی را ضروری کرده است. هوش اخلاقی از چنین ظرفیتی برخوردار بوده و اگر از منابع قابل‌اعتماد دینی بهره‌بردار، به فرآیندی اثربخش تبدیل می‌گردد.

کتاب صحیفه سجادیّه و دعای مکارم الاخلاق، قله‌ای در مباحث اخلاقی بوده و راه‌گشای جوامع امروزی است. بدین روی، تطبیق مؤلفه‌های هوش اخلاقی در صحیفه سجادیّه با محوریت دعای مکارم الاخلاق ضرورت یافته، می‌تواند افق‌های نوینی را از مسائل پیش‌گفته بگشاید، تا به گسترش و تعمیق اخلاق‌مداری و هوش اخلاقی مدد رساند.

۲. یافته‌های پژوهش

۱-۲. معنای هوش

نخستین پایه مؤثر در شناخت موضوعات، فهم مفاهیم به‌کار رفته بوده، زیرا سلب و ایجاب نسبت به هر گزاره، تابعی از درک واقعیت آن، به‌وسیله قوه ادراکی است. روان‌شناسان بر پایه مکتب و زاویه نگاه خود، تعاریفی متفاوت از واژه‌ی هوش ارائه کرده‌اند. چنان‌که در کتاب نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، هوش به‌عنوان یک استعداد کلی شخصی، برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن دانسته‌اند. از دیدگاه وکلسر^۱، هوش همان توانایی‌های انسان در جهت تفکر منطقی، اقدام هدف‌مند و شیوه‌ی مناسب در برخورد با محیط پیرامون اوست (پاشا شریفی، ۱۳۷۶: ۳۵ و ۳۶). هم‌چنین، هوش به معنای داشتن قدرت و توانایی برای انجام دادن فعالیت‌ها آمده است (میردریگوندی، ۱۳۸۸: ۴۴).

1. David Wechsler

۲-۲. معنا و گستره هوش اخلاقی

هوش اخلاقی^۱ نخستین بار، توسط بوربا^۲ در حوزه روان‌شناسی وارد شده و منظور او از هوش اخلاقی، ظرفیت درک درست از نادرست و داشتن اعتقادات اخلاقی قوی است. از نظر او، هوش اخلاقی بیانگر این است که در روابط، کدام رفتار، مناسب و کدام رفتار نامناسب است. فرد با استفاده از هوش اخلاقی، می‌تواند احساسات دیگران را درک کرده، مسئولیت کارهای خودش را بر عهده گرفته و با دیگران هم‌دلی کند (بوربا، ۱۳۹۰: ۲۶).

هوش اخلاقی با نام‌هایی چون «هوش قضاوت اخلاقی»^۳ و «هوش استدلال اخلاقی»^۴ نیز خوانده شده (میردیریکوندی، ۱۳۸۸: ۴۵) و دارای سه سطح اخلاق پیش قراردادی، اخلاق قراردادی و اخلاق فوق قراردادی^۵ است (سیف و کدیور، ۱۳۸۱: ۱۱۱). هوش اخلاقی به معنی ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست است (بوربا، ۱۳۹۰: ۲۳). لینک^۶ هوش اخلاقی را به معنای توانایی تمیز درست از نادرست دانسته که این دیدگاه، با اصول جهانی سازگار است (لینک و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۶). بدین روی، هوش اخلاقی همان ظرفیت و توانایی تشخیص درست از نادرست، براساس اصول اخلاقی است. هوش اخلاقی، تفکر اخلاقی و عمل اخلاقی را به هم پیوند زده (گودرزی و شعبانی، ۱۴۰۰: ۲۳۱)؛ چنان‌که با انجام درست کار و رعایت اصول اخلاقی پیوند داشته و عبارت است از توانایی تشخیص درست از غلط، انتخاب درست و درنهایت، رفتار مبتنی بر اخلاق (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۴۷). بدین روی، توانایی درک درست اخلاق، داشتن اعتقادات پایدار و رفتار در جهت آن‌هاست. از نگاهی فراتر، هوش اخلاقی به‌عنوان بن‌مایه و سازه تقویت جامعه‌ای سالم و اخلاق‌مدار معرفی می‌گردد. در واقع، شناخت‌ها، نگرش‌ها، فعالیت‌های اخلاقی و پایبندی به هنجارها، در چارچوب سیستم‌های ارزشی افراد، توسط هوش اخلاقی امکان‌پذیر می‌گردد.

در ابتدای مسیر پرورش اخلاقی افراد، هوش اخلاقی در مرتبه پایینی قرار داشته و به میزانی که به ظرفیت و توانایی انسان افزوده می‌گردد، هوش اخلاقی رشد کرده و توسعه می‌یابد. لینک و همکارانش

1. Moral Intelligence

2. Michele Borba

3. Intelligence of moral judgment

4. Moral reasoning intelligence

5. Pre-contractual ethics; Contractual ethics; Supercontractual ethics

6. Doug Lennick



برای افزایش هوش اخلاقی، اجرای برنامه‌های آموزش «شایستگی اخلاقی» را مفید دانسته و آن را ظرفیتی برای تنظیم اهداف و اقدامات بیان کرده‌اند (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴).

۲-۳. مؤلفه‌های هوش اخلاقی در روان‌شناسی

در بحث مؤلفه‌ها و ضرورت‌های هوش اخلاقی، دیدگاه‌های گسترده‌ای وجود دارد. بوربا در کتاب پرورش هوش اخلاقی^۱، اصول هفت‌گانه‌ی «هم‌دلی، وجدان، خویش‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف» را برای هوش اخلاقی مطرح کرد (بوربا، ۱۳۹۶: ۱۰). بعد از او، لینک و کیل^۲ بحث هوش اخلاقی را دنبال کرده و چهار اصل «دلسوزی، مسئولیت‌پذیری، درست‌کاری و صداقت و بخشش» را برای دوام آن ضروری دانستند. برخی دیگر، شاخصه‌های دیگری را به هوش اخلاقی اضافه کرده‌اند که به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، با مؤلفه‌های نخستین، مترادف یا هم‌راستا هستند. جمع‌بندی این مؤلفه‌ها چنین است: «خویش‌داری و خودکنترلی؛ وجدان و هوشیاری؛ هم‌دلی، گره‌گشایی و هم‌دردی؛ بردباری؛ احترام، مهربانی و قدرشناسی؛ عدالت و انصاف». این مؤلفه‌ها با تحقیقات و شواهد خانم بوربا قابل تطبیق است.

۲-۴. مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دعای صحیفه سجادیه «با محوریت دعای

مکارم الاخلاق»

کاوش حاضر، از زاویه نگاه هوش اخلاقی، به بازنمایی مؤلفه‌ها و اصول این نظریه در صحیفه سجادیه می‌پردازد؛ شامل: «درست‌کاری و صداقت؛ خدمت‌رسانی و گره‌گشایی؛ گذشت و چشم‌پوشی؛ قدرشناسی و سپاس‌گزاری؛ احترام‌گذاری به دیگران؛ عدالت‌ورزی و انصاف». همان‌گونه پیش‌تر بیان گردید، انتخاب این اصول شش‌گانه، بر این پایه است که نخست، مصادیق بیان شده توسط روان‌شناسان برای هوش اخلاقی جمع‌آوری گردید. در مرحله دوم، این عناوین در دسته‌هایی با محورهای مشترک، تنظیم شد. در نهایت، با حذف موارد غیر مشترک، اصول شش‌گانه‌ای، برای نظریه هوش اخلاقی استخراج گردید. بسیاری از عنوان‌های هوش اخلاقی، مانند چشم‌پوشی، احترام‌گذاری، گره‌گشایی و... در ارتباط با دیگران و در بستر روابط اجتماعی معنا می‌یابد. همگی آن‌ها، مصادیقی از تعهد اجتماعی و پذیرش

1. Building Moral Intelligence

2. Fred Kiel

مسئولیت در جامعه است. مسئولیت‌پذیری^۱ از جمله کارکردهای هوش اخلاقی بوده و با آن رابطه‌ای مستقیم دارد. هر قدر که انسان از هوش اخلاقی بالاتری برخوردار باشد، مسئولیت‌پذیری بیشتری دارد. این واژه به معنای تعهد و ضمانت بوده و در اصطلاح، تعهد درونی افراد نسبت به انجامِ مطلوبِ فعالیت‌های محول شده به آن‌ها بوده که تمام شئون زندگی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. فرد پذیرنده مسئولیت، با اصلاح شکست‌ها و اشتباهاتش، به سوی خدمت‌رسانی بهتر به مردم گام برمی‌دارد (لینک و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۱). مسئولیت‌پذیری و تعهد، از بزرگ‌ترین مواهب خدادادی به انسان بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۲۵/۲۵) و امیرمؤمنان (علیه السلام)، به شکلی گسترده، حیطه مسئولیت‌پذیری انسان را تعریف کرده و در این مورد به کارگزاران خود می‌فرماید: «اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ؛ از خدا در مورد بندگان او و سرزمین‌هایش بترسید؛ چرا که شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز، باید پاسخگو باشید» (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۶۷).

۲-۴-۱. درست‌کاری و صداقت

درست‌کاری، راستی و صداقت در «ثبِت، گفتار و رفتار، به عنوان مؤلفه‌ای برای محک هوش اخلاقی تلقی گردیده؛ چرا که اگر انسان، بر پایه صداقت رفتار کند، می‌تواند رفتار خود را با آهنگ جهان‌شمول اخلاق انسانی منطبق نماید (ر.ک. لینک و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱). درست‌کاری از ارزش‌های اخلاق اسلامی بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۳) و به معنای مطابقت و هماهنگی میان گفتار، با پندار و رفتار می‌باشد (نیلی پور، ۱۳۸۸، ص ۵۸۷). چنان‌که واژه «الصَّوَابُ» در نهج‌البلاغه به همین معنا به کار رفته است (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۹۳). هماهنگی گفتار و پندار، به معنای راست‌گویی در تمام زمان‌هاست (لینک و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۹)، به گونه‌ای که ظاهر و باطن انسان یکی باشد. مطابقت و هماهنگی گفتار و رفتار، بدین معناست که اعمال ظاهری انسان، مطابق و هماهنگ با صفات باطنی و حالات درونی او باشد (بطحایی‌گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۵۶). درست‌کاری و صداقت، رفتار مطابق با حق بوده، چنان‌که امیرمؤمنان (علیه السلام) همگان را به پایبندی به حق سفارش کرده و می‌فرماید: «اصْبِرْ عَلَىٰ مَضَضِ مَرَاةِ الْحَقِّ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَتَخَلَّعَ لِخَلَاوَةِ الْبَاطِلِ؛ در مقابل تلخی و درد حق صبر داشته باش و بترس از این‌که شیرینی باطل تو را فریب دهد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۸۴). رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ؛ بالاترین مراتب جهاد، گفتن حق و دعوت حاکمان و مسئولان ستم‌کار



به صراط حق و راه صحیح است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۴۳۲/۱). امام صادق (علیه السلام) نیز در حدیثی آورده‌اند: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الْحَقُّ وَ أَنْ صَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ إِنْ نَفَعَكَ؛ از حقیقت ایمان است که حق را گرچه به ضررت باشد، بر باطل، گرچه به سودت باشد، مقدم بداری» (برقی، ۱۳۷۳: ۲۰۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۷/۷۴).

* امام سجاد (علیه السلام) درست کاری و راستی را در دعای مکارم الاخلاق، در سه ساحت به کار برده است:

۱- نیت شایسته و درست

امام (علیه السلام) می‌فرماید: «طَرِيقَةَ حَقٍّ لَا أَرِيغُ عَنْهَا وَ نِيَّةً رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا؛ مرا به مسیر حق رهنمون شو، آن گونه که از آن روی متابم و نیتی درست و استوار به من مرحمت کن، آن‌سان که در آن به تردید نیفتم» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰). قرار گرفتن در مسیر حق، با درست کاری همراه خواهد بود. نیت استوار، تداوم در کار را در پی داشته که تردیدی در آن، پیش نخواهد آمد. حضرت زین العابدین (علیه السلام) بهترین نیت را از خدا درخواست کرده که به شکل طبیعی، به بهترین رفتار منتهی خواهد شد، بیان رفتار پس از نیت در این دعا، از ظرافت‌های بیانی است: «أَنْتَهُ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ وَ بَعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ؛ نیتم را به بهترین نیت‌ها منتهی ساز و کردارم را به بهترین کردارها تبدیل کن» (همان). همین شکل بیانی، در بخش دیگری از این دعا یافت می‌گردد: «اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي وَ اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي؛ بارخدا، نیتم را به لطف خود کامل و خالص گردان و تباهی کارم را به قدرتت اصلاح کن» (همان). در این قسمت، امام (علیه السلام) تکامل و خلوص نیت را از خدا خواسته که به اصلاح رفتارها می‌انجامد. رشد درونی و اندیشه‌ای انسان، نقطه اوج و تکاملی در هوش اخلاقی است، زیرا آثار آن، در رفتارها و ارتباط با دیگران تبلور می‌یابد.

۲- گفتار شایسته و درست

گفتار درست و شایسته، فراتر از راست گویی بوده و هر سخن حق و به‌جایی را در بر می‌گیرد، مانند: «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳). امام سجاد (علیه السلام) در دعای مکارم الاخلاق پس از درود و صلوات بر رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم السلام)، از خداوند، بیان سخن حق، اگر چه دشوار و سخت باشد را درخواست کرده: «الْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ». در این فراز از دعا، «قَوْل» به معنای سخن و کلام، «حَقٌّ» به معنای درست و راست و «عَزَّ» به معنای دشواری و مشکل است (مدنی شیرازی،

۱۴۰۹: ۳/۳۵۲). درخواستِ گفتن سخن صواب و درست، با وجود سخت و مشکل بودن آن، نشانی از اهمّیت و جایگاه این فریضه اخلاقی دارد. بیان امام (علیه السلام) از این هم فراتر رفته و راستی در بیان، در همه حالات و ساحت‌ها را درخواست می‌کند: «مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ سَمٍّ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِعْرَاقًا فِي التَّنَائِ عَالِيكَ؛ به جای آن‌چه شیطان بر زبانم جاری می‌سازد، از فحش و بدگویی و ناسزا یا شهادت ناحق، یا غیبت از مؤمن غایب، یا دشنام به شخص حاضر و مانند این‌ها، سخن در سپاس تو گویم و مبالغه در ثنای تو ورزم» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰). امام (علیه السلام) با ایجاد جبهه‌ای دوگانه، مصادیق گفتار ناشایست و شایسته را به تصویر می‌کشد.

۳. رفتار شایسته و درست

ارتباط بیرونی با دیگران، باید بر پایه راستی و درستی استوار باشد. امام سجاد (علیه السلام) از خدا درخواست می‌کند که او را به پاکیزه‌ترین رفتار توفیق دهد: «وَفَقِّنِي لِتَيْبِ هِي أَرْكِي» (همان). چنان‌که درخواست می‌کند، بهترین را در پیش پایش قرار گیرد: «اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُتَمَلِّي» (همان). چنین فرازهایی، بیانگر اهمّیت تنظیم روابط با دیگران در همه عرصه‌ها بوده که توانایی و رشدیافتگی هوش اخلاقی را متجلی می‌سازد. انسانِ درست‌کردار، از تندروری و کندروی به دور بوده و الگویی برای همگان است: «اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ وَمِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ؛ مرا از نعمت میانه‌روی بهره‌مند فرما و از اهل درستی و استقامت و راهنمایان به خیر و بندگان شایسته‌ات قرار ده» (همان). انسان میانه‌رو دارای رفتاری متعادل و نیکو بوده و نمونه‌ای از تنظیم صحیح روابط انسانی با دیگران می‌باشد: «حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي؛ در همه حال، اعمالم را نیکو گردان» (همان). رشد یافتگان مسیر الهی، چنین هستند، برخوردار از رفتاری دلچسب، گوارا، به دور از افراط و تفریط و پُر از نشاط: «حَلِيئِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ وَ أَلْسِنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ؛ مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت اهل تقوا را در این امور بر من بپوشان» (همان).

۲-۴-۲. خدمت‌رسانی و گره‌گشایی

خدمت‌رسانی به دیگران از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است. خدمت، به معنای تعهد، تیمار، پرستاری و انجام عملی از سر بندگی و از روی دلسوزی برای دیگران است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه خدمت) این واژه کاربرد مفهومی گسترده‌ای داشته و کلیه امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شامل شده و بر مفاهیمی مانند گذشت، ایثار، تحمل رنج و سختی و ... صدق می‌کند (الهامی‌نیا و طاهرزاده، بی‌تا:



۱۴۵). آموزه‌های اسلامی و اخلاقی، به خدمت‌رسانی اهمّیت به‌سزایی داده‌اند، به گونه‌ای که در جای جای قرآن کریم، با واژگانی مانند: تعاون، باقیات‌الصالحات، عطیه، صدقه، خیرات، قرض و مانند آنان، انسان را به دست‌گیری، گره‌گشایی و خدمت‌رسانی توصیه کرده است. سیره‌ی گفتاری و رفتاری رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به خوبی گویای این مطلب است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در فواید این کار فرمود: «کسی که به دیگری خدمت کند، مثل کسی است که عمری، خدا را بندگی کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۲/۷۱) چنان که در پاسخ به پرسش پیرامون محبوب‌ترین مردم، فرمود: «کسی که وجودش برای مردم سودمندتر باشد، محبوب‌تر است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲).

خدمت‌رسانی، ارتباطی بر پایه انسانیت با دیگران بوده که در صورت همراهی با معنویت و نیت خالص، گسترش روابط اجتماعی و سلامت روحی و روانی جامعه را در پی دارد (گل‌محمدیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۹). انسان‌ها برای رفع گرفتاری‌های خود، نیاز به تلاش و کوشش دارند. اما این موضوع، نیازمند یاری دیگران نیز می‌باشد. در برخی آموزه‌های دینی و روایی آمده است که برآوردن نیاز دیگران و گره‌گشایی از انسان‌ها، مقدمه بر طرف شدن مشکلات خود شخص است. در آیاتی از قرآن، پیرامون موضوع پیش گفته آمده است: «لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد، باید از آنچه خدا به او داده خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از دشواری، آسانی فراهم می‌کند» (طلاق/۷). رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَ مَن نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كُزِبَهُ مِنَ كُزْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُزْبَةً مِّنْ كُزْبِ الْآخِرَةِ؛ به راستی خداوند، مؤمن را تا زمانی که برادر مؤمن خود را یاری رساند، یاری می‌کند و کسی که يك گرفتاری از گرفتاری‌های برادر مؤمنش را در دنیا بر طرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری، از گرفتاری‌های آخرت او را برطرف می‌کند» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۱۰۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۲/۱).

* امام سجاد (علیه‌السلام) با عبارت «برادری مردم»، پیوند و عاطفه اجتماعی را متذکر گشته (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۶) و در دعای مکارم الاخلاق از خداوند متعال طلب توفیق همیشگی برای یاری‌رساندن به مردم را کرده: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ؛ بارالها، خیر و نیکی را برای تمام مردم به دست من جاری ساز» (صحیفه‌سجادیّه/دعای ۲۰). منظور از «خیر» در این فراز، احسان و نیکی به مردم بوده (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۲۹۷/۲) که به دو صورت شکل می‌گیرد؛ گاهی احسان به صورت پایدار و مستمر است، مانند

وقف بیمارستان و گاهی، لحظه‌ای و دفعه‌ای، مانند اطعام نیازمند. منت نهادن، آفت خدمت‌رسانی و گره‌گشایی است. امام (علیه‌السلام) در ادامه دعا، از خدا درخواست می‌کند: «لا تمحقه بالمن؛ آن را از کدورت منت گذاری دور دار» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰) که منت گذاری، اجر معنوی و ارزش کار خیر را ضایع می‌سازد (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۸). چنان که در روایت دیگری بیان می‌دارد: «اگر قدمی به سود خود برداشته‌اید، با منت آن را معیوب نسازید» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۵۹). پیداست که نفع کار خیر، به انجام دهنده آن می‌رسد. گره‌گشایی از مردم و کمک به آنان، شاخصه انسان‌هایی با هوش اخلاقی سرشار است. زیرا آدمی از مرحله توجه به خود فراتر رفته و به فکر دیگران و مسائل و مشکلات آن‌هاست. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) از خداوند برای چنین کاری، از هدایت می‌طلبد: «أَصِبْ بِي سَبِيلِ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ؛ مرا در انفاق از آن مال در امور خیر به راه هدایت، رهبری فرما» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰). ظرافت موضوع این است که نباید گره‌گشایی از دیگران را بزرگ پنداشت یا منت گذاری کرد که امام (علیه‌السلام) از خدا می‌خواهد: «اسْتَقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي؛ ناچیز دانستن نیکی را در گفتار و رفتارم، هر چند زیاد باشد» (همان). ژشد معنوی و روند فرآینده هوش اخلاقی در اوج خود، در ایثار و کمک به همگان، چه نیازمند و چه بی‌نیاز تبلور می‌یابد؛ چنان که امام (علیه‌السلام) از خدا می‌خواهد که به او چنین توفیقی را عنایت فرماید: «الْإِضْطَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ؛ بخشش رایگان به غیر مستحق» (همان).

۲-۴-۳. گذشت و چشم‌پوشی

بخشیدن و گذشت، فضیلتی اخلاقی بوده و در ادیان الهی به آن سفارش گردیده و از انسان‌ها خواسته شده که خطای دیگران را ببخشند. بخشش، به معنای نادیده گرفتن خطای دیگران، با هدف دست‌یابی به آرامش روانی، بهبود روابط با فرد خطاکار و یا برای انجام رفتاری انسانی و ارزشی است. چشم‌پوشی و عفو، راهی مهم برای سلامت روانی و شاخصه‌ای سودمند در روابط انسانی و قابل آموزش دادن است.

* امام سجاد (علیه‌السلام) از افقی فراتر از چشم‌پوشی عادی، به موضوع نگرینسته و خوبی کردن به دیگران در برابر بدی آنان را، از خداوند درخواست کرده و در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «سَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ عَشِنِي بِالنُّصْحِ وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ وَ أُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ وَ أُغْضِي عَنِ السَّبِّةِ؛ مرا بر خیرخواهی کسی که با من نیرنگ کند، توفیق ده و آن را که از من دوری کرده، به خوبی پاداش دهم و به آن کس که محروم ساخته، بخشش کنم و به آن که از من بریده، بپیوندم و برخلاف آن که از من غیبت کرده، از وی نیکو یاد کنم و از بدی چشم‌پوشم» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰). امام (علیه‌السلام) نمونه‌هایی را برای گذشت طرح کرده و که نشانی



از انسان متعالی است؛ چنان که در بخش دیگری از همین دعا، از خدا درخواست می‌کند که توفیق چشم-پوشی از خطای دیگران را به ایشان عطا فرماید: «تَوَكَّرَ التَّغْيِيرَ» (همان). این موضوع از ساحت فردی فراتر رفته، آرزوی اصلاح‌گری در بین مردم و گذشت آنان از یکدیگر، مورد توجه قرار می‌گیرد: «إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ» (همان). تلطیف فضای اجتماعی، گسترش محبت و نهادینه شدن بخشش، جامعه را به سوی آرمان-شهر الهی سوق داده و جلوه‌هایی از روابط سالم اجتماعی و هوش والای اخلاقی را به نمایش خواهد گذاشت: «اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ السَّنَانِ الْمَحَبَّةِ وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةَ وَ مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ النُّقَّةَ وَ مِنْ عِدَاوَةِ الْأَذْنِينَ الْوَلَايَةَ وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ وَ مِنْ خُدْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ؛ بارخدایا... شدت کینه کینه توزان را به محبت و حسد اهل تجاوز را به مودت و بدگمانی اهل صلاح را به اطمینان و دشمنی نزدیکان را به دوستی و گسستن خویشاوندان را به خوش‌رفتاری و رو بر تافتن نزدیکان را از یاری نمودن، به یاری و دوستی ظاهرسازان را به دوستی حقیقی و خوار انگاشتن مصاحبان را به حسن رفتار و تلخی ترس از ظالمان را به شیرینی ایمنی، مبدل ساز» (همان). در دعای سی و نهم، پیرامون درخواست عفو، گذشت، رحمت و مهربانی از خداوند، می‌فرماید: «بار خدایا! هر بنده‌ای که در باره من آنچه را بر او حرام کرده‌ای، به‌جا آورده و پرده آنچه را بر او منع نموده‌ای، دریده و حق مرا برده و مرده یا زنده است و حق من نزد او به‌جا مانده باشد، پس او را در ستمی که به‌من کرده بیامرزد و در حقی که از من برده در گذر و از آنچه درباره من به‌جا آورده، آگاه مساز (یا سرزنش مکن) و بر اثر آنچه (آزاری که) به من خواسته روا داشته، رسوایش مکن» (فیض الإسلام، ۱۳۷۶: ۱۴۶). آموزه‌هایی والا که از ضمیری زلال سرچشمه گرفته، تا جایی که برای دیگران نیز، آرزوی نیک‌بختی، عفو و رحمت می‌کند. در کنار چنین درخواست‌های پُر مضمونی از خدا، به سوی خود رجوع کرده و ادامه می‌دهد: «عفو و گذشت از ایشان را که به کار بردم و صدقه و بخششی را که بر ایشان بخشیدم، پاکیزه‌ترین بخشش‌های بخشنندگان و بالاترین عطا‌های تقرب جوین (به‌درگاه خود) قرار ده و مرا از عفو و گذشتم از ایشان، به عفو و از دعا و درخواستم (درباره آمرزش) برای آنان، به رحمت عوض (پاداش) عطا فرما؛ تا هر يك از ما به وسیله احسان تو (در دنیا و آخرت) نیک‌بخت شود و هر کدام از ما به سبب نعمت (پاداش به من و آمرزش آنان، از بدبختی) رهائی یابد» (همان).

۲-۴-۴. قدرشناسی و سپاس‌گزاری

قدرشناسی و سپاس‌گزاری مؤلفه‌هایی مهم در هوش اخلاقی بوده که به عنوان پایه‌ای در جهت ایجاد روابط سالم بین افراد، همراه با ایجاد و تثبیت رفتارهایی توأم با احترام نسبت به دیگران و پاسخ مثبت به نیازهای افراد و کمک به هم‌نوع می‌باشند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خدا را در برابر نعمت‌هایش شکرگزارم» (نهج‌البلاغه/خطبه ۱۹۳). امام (علیه‌السلام)، قدرشناسی و سپاس‌گزاری را به عنوان یکی از مؤلفه‌های معنوی در هوش اخلاقی به کار برده است.

* امام سجاد (علیه‌السلام) سپاس‌گزاری از دیگران را به عنوان ارزشی انسانی معرفی کرده و از خدا توفیق چنین موضوعی را درخواست می‌کند: «أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ؛ خوبی را سپاس‌گزارم» (صحیفه-سجادیّه/دعای ۲۰). درباره‌ی وظیفه آدمی در مورد کسی که به ما نیکی کرده، فرموده است: «حق کسی که صاحب نیکی بر توست، این است که سپاس‌گزار او باشی و کار نیک او را یاد کنی و خالصانه بین خود و خدایت در حق او دعا کنی و گفتار نیک درباره‌ی او داشته باشی. اگر چنین کنی، در نهان و آشکار او را سپاس گفته‌ای و اگر هم روزی، قدرت بر جبران داشته باشی، نیکی او را جبران کنی» (حیدری نراقی، ۱۳۸۹: ۳۴). برترین لحظات رابطه بنده با خدا، با شکرگزاری همراه بوده و نشانی از مقام تسلیم و رضاست: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ... إِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيَّكَ وَ ذَهَابًا فِي تَمَجُّدِكَ وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَ إِحْصَاءً لِمِنَّتِكَ؛ الهی عنایت کن که... مبالغه در ثنای تو ورزم و با تمام هستی خود، ستایش بزرگی تو کنم و شکر نعمت تو به‌جای آورم و اعتراف به احسان تو نمایم و به شمردن نعمت‌های تو مشغول گردم» (صحیفه‌سجادیّه/دعای ۲۰).

۲-۴-۵. احترام‌گذاری به دیگران

در آموزه‌های اسلامی، به ارزش‌گذاری برای انسان‌ها و رعایت احترام نسبت به دیگران سفارش شده، زیرا انسان جانشین خداوند در روی زمین بوده (بقره/۳۱) و از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. چنان‌که کرنش ملائکه در برابر او، همین امر است (بقره/۳۴). از الزامات هوش اخلاقی، احترام به دیگران، به خاطر خود فرد است و نه هدف دیگر. وقتی انسان دریابد که به تصمیمات و ارزش‌هایش احترام گذاشته می‌شود و از او، استفاده ابزاری نمی‌گردد، او نیز، با ملاحظه و احترام با دیگران رفتار می‌کند. همان‌گونه که دوست دارد با خودش محترمانه رفتار شود. در نتیجه، جامعه به سوی شکوفایی و سعادت سوق داده می‌شود (منطقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۹؛ گل محمدیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

* امام سجاد (علیه السلام) احترام گذاری به دیگران را در قالب تنظیم رابطه و رفتار مناسب تعریف کرده است. زمانی که روابط دورنی جامعه، بر پایه خوش رفتاری شکل بگیرد، احترام و ارزش انسانی رشد خواهد کرد. امام (علیه السلام) از خدا درخواست «حُسْنِ السَّيْرِةِ؛ خوش رفتاری» و «طَيْبِ الْمُحَالَفَةِ؛ حُسن معاشرت» را می کند (صحیفه سجادیه/دعای ۲۰) که احترام گذاری به دیگران، در آن نهفته است. برخورد محترمانه با دیگران و ارزش گذاری برای آنان، جامعه را به سوی رشد هوش اخلاقی و بالندگی سوق می دهد. احترام، انواع و مصادیق بسیاری دارد (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۲۶) که مهم ترین آن ها، احترام به والدین است. انسان با احترام به پدر و مادر، می تواند خوشبختی زندگی اش را تضمین کرده و در دنیا و آخرت سعادت مند گردد. فرزندان در همه حال ملزم به رعایت جایگاه و احترام والدین بوده، هر چند که آنان مرتکب خطا شوند. در فراز دیگری از دعای امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است: «بارخدایا! مرا چنان گردان که از پدر و مادرم بترسم، مانند ترسیدن از پادشاه ستم کار». همان گونه که انسان در مقابل سلطان، با ادب و احترام وارد می شود و همواره مراقب گفتار و رفتارش است، در حضور والدین نیز باید چنین باشد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

۲-۴-۶. عدالت ورزی و انصاف

دیگر از مولفه های هوش اخلاقی، رعایت عدالت و انصاف است. عدالت به معنای «حد وسط، میان افراط و تفریط در قوای درونی» بوده (معین، ۱۳۶۲: ۲/۲۲۳)، «تقسیم مساوی» (معلوف، ۱۳۸۰: ۴۸۵) و «قرار دادن هر چیزی در جای خودش» (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۷ : ن.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۲/۱) می باشد. عدالت از زیباترین خصلت های اخلاقی بوده که در قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن مجید، قائل به جاری بودن عدالت در همه نظام هستی است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵) و از مردم می خواهد حتی در مورد نزدیکان نیز با عدالت رفتار کنند (انعام/ ۱۵۲). افراد برخوردار از هوش اخلاقی بالا، سعی می کنند که در ارتباط با دیگران، کار درست را انجام داده و رفتار و گفتار آن ها، پیوسته با ارزش ها و عقایدشان هماهنگ باشد. این اعمال با اصول اخلاقی آن ها پیوند می خورد (جهانیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵). از جمله رفتارهایی که در ارتباط با افراد مختلف و در روابط و مناسبات با دیگران معنا می یابد، رعایت عدالت و دادورزی بوده، زیرا تمام روابط و مناسبات انسان ها با یکدیگر، بر پایه دادورزی و انصاف قوام یافته و پایدار می گردد. این فرآیند، مبتنی بر هوش اخلاقی به سامان می رسد.

* امام سجاد (علیه السلام) همواره از خدا طلب عدل می‌کند: «خدایا! در این روز مرا بر میانه‌روی و انصاف و ادار کن» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۳۸). یکی از نشانه‌های جامعه رشد یافته، برخورد عدالت‌ورزانه با یکدیگر است. زندگی در جامعه‌ای که در آن، حقوق انسان‌ها رعایت می‌گردد، دل‌پذیر و لذت‌بخش خواهد بود. امام (علیه السلام) عدالت‌گستری را، یکی از نشانه‌های پرهیزگاران برمی‌شمارد. انسان با تقوا، حقوق دیگران را رعایت کرده، به حریم و اموال مردم ورود پیدا نمی‌کند. نکته مهم این است که در بیان شاخصه‌های متقین، گستردن عدل، به عنوان نخستین ویژگی طرح شده است: «اللَّهُمَّ ... حَلِّبْنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَ أَلْبِسْنِي زِيْنَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ؛ بار خدایا ... مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت اهل تقوا را در این امور بر من بپوشان، در گستردن سفره عدل» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰). چنین انسانی به دیگران ظلم نکرده و حق کسی را ضایع نمی‌سازد. در واقع، روح الهی و دینی او چنین اجازه‌ای به او نمی‌دهد. نگاه به عدالت‌ورزی، فقط از دریچه شخصی و فردی نیست؛ لازمه این موضوع، گسترش عدالت در جامعه است. انسان‌ها در جامعه‌ای با هوش اخلاقی بالا، نه ظلم می‌کنند، نه مورد ظلم قرار می‌گیرند. این موضوع مورد توجه قرآن بوده: «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ؛ نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید» (بقره/۲۷۹). امام (علیه السلام) به این موضوع توجه داشته و از خدا می‌خواهد که نه، ستم‌دیده و نه، ستمگر باشد: «لَا أُظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَ لَا أُظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَي الْقَبْضِ مِنِّي؛ مگذار که من ستم‌زده شوم، در حالی که تو به دفع آن از من توانایی و اجازه مده که بر دیگری ستم کنم، درحالی که تو در جلوگیری، از من نیرومندی» (صحیفه سجادیّه/دعای ۲۰).

نتایج

۱. در تعریف هوش باید بیان داشت که: «استعداد کلی شخصی، برای درک جهان خود و توانایی‌های انسان در جهت تفکر منطقی، اقدام هدف‌مند و شیوه‌ی مناسب در برخورد با محیط پیرامون و برخورداری از قدرت و توانایی برای انجام دادن فعالیت‌ها».
۲. هوش اخلاقی به معنای: «ظرفیت درک رفتار مناسب از نامناسب، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی، رفتار بر پایه هنجارها و بر عهده‌گیری مسئولیت کارهای خویشتن» است.
۳. پیرامون مؤلفه‌های هوش اخلاقی در روان‌شناسی، دیدگاه‌های گسترده‌ای وجود دارد که با عبارت‌هایی مختلف بیان شده‌اند. اما بسیاری از آن‌ها، هم‌راستا و مترادف بوده و جمع‌بندی آنان چنین است: «خویشتن‌داری و خودکنترلی - وجدان و هوشیاری - هم‌دلی، گره‌گشایی و هم‌دردی - بردباری -



- احترام، مهربانی و قدرشناسی - عدالت و انصاف». این مؤلفه‌ها با تحقیقات و شواهد خانم بوربا و دیگران قابل تطبیق است.
۴. از زاویه نگاه هوش اخلاقی، مؤلفه‌ها و اصول این نظریه در دعای مکارم الاخلاق؛ شامل: «درست- کاری و صداقت - خدمت‌رسانی و گره‌گشایی - گذشت و چشم‌پوشی - قدرشناسی و سپاس‌گزاری - احترام‌گذاری به دیگران - عدالت‌ورزی و انصاف» می‌باشد. بسیاری از عنوان‌های هوش اخلاقی، مانند چشم‌پوشی، احترام‌گذاری، گره‌گشایی و ... در ارتباط با دیگران و در بستر روابط اجتماعی معنا می‌یابد. همگی آنان‌ها، مصادیقی از تعهد اجتماعی و پذیرش مسئولیت در جامعه است.
۵. 'درست‌کاری، راستی و صداقت در نیت، گفتار و رفتار، به عنوان مؤلفه‌ای برای محک هوش اخلاقی تلقی گردیده و به معنای مطابقت و هماهنگی میان گفتار، با پندار و رفتار می‌باشد.^۲ خدمت‌رسانی و گره‌گشایی در ارتباط با دیگران، از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است. امام سجاد (علیه‌السلام) با عبارت «برادری مردم»، پیوند و عاطفه اجتماعی را متذکر گشته و در دعای مکارم الاخلاق از خداوند متعال، طلب توفیق همیشگی برای یاری‌رساندن به مردم را کرده و بر خدمت‌رسانی بی‌منت تأکید کرده است. امام (علیه‌السلام) از افقی فراتر از گذشت و چشم‌پوشی عادی به موضوع نگرسته و خوبی کردن به دیگران در برابر بدی آنان و توفیق چشم‌پوشی را از خداوند درخواست می‌کند.^۴ قدرشناسی و سپاس-گزاری پایه‌هایی در جهت ایجاد روابط سالم بین افراد، همراه با ایجاد و تثبیت رفتارهایی محترمانه با دیگران و پاسخ مثبت به نیازهای افراد و کمک به هم‌نوع می‌باشند. در دعای مکارم الاخلاق این شاخصه، به عنوان ارزشی انسانی معرفی شده و علاوه بر سپاس‌گزاری از دیگران، تشکر از خدا را نیز در بر می‌گیرد. در آموزه‌های اسلامی، به احترام و ارزش‌گذاری برای انسان‌ها و رعایت احترام نسبت به دیگران سفارش شده و امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) احترام‌گذاری به دیگران را، در قالب تنظیم رابطه و رفتار مناسب تعریف کرده است. زمانی که روابط دورنی جامعه، بر پایه خوش‌رفتاری شکل بگیرد، احترام و ارزش انسانی رشد خواهد کرد. دیگر از مؤلفه‌های هوش اخلاقی، رعایت عدالت و انصاف است. یکی از نشانه‌های جامعه رشد یافته، برخورد عدالت‌ورزانه با یکدیگر است. زندگی در جامعه‌ای که در آن، حقوق انسان‌ها رعایت می‌گردد، دل‌پذیر و لذت‌بخش خواهد بود. نگاه به عدالت‌ورزی، فقط از دریچه شخصی و فردی نیست؛ لازمه این موضوع، گسترش عدالت در جامعه است. انسان‌ها در جامعه‌ای با هوش اخلاقی بالا، نه ظلم می‌کنند، نه مورد ظلم قرار می‌گیرند.

منابع

- القرآن الکریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- الصحیفه السجادیّه الکامله
- نهج البلاغه
- ابن اَبی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵). عوالمی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، مصحح: مجتبی عراقی، قم: دارسیدالشهداء(ع).
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تحف العقول، قم: نشر آل علی(ع).
- اکبری، محمود. (۱۳۷۸). احترام و تکریم، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- بطحایی گلپایگانی. (۱۳۷۷). اخلاق تحلیلی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوربا، میکلّه. (۱۳۹۰). پرورش هوش اخلاقی، ترجمه: فیروزه کاوسی، تهران: رشد بهار.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۷۳). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: محمد خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- جهانیان، رمضان؛ ساعی ارسى، ایرج؛ طیبیا، مونا. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت هوش اخلاقی و ابعاد و مولفه های آن در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه خوارزمی). فصلنامه علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۱۵، ۷۲-۵۵.
- حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۹). رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام). قم، مهدی نراقی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- صادقی، اصغر. (۱۳۸۸). شرح دعای مکارم الاخلاق، تهران: نیا.
- فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۷۶). ترجمه و شرح صحیفه سجادیّه، تهران: نشر فیض الاسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- گل محمدیان، محسن؛ بهروزی، ناصر؛ یاسمی نژاد، پریسا. (۱۳۹۴). هوش اخلاقی، ماهیت و ضرورت آن، نشریه اخلاق پزشکی، شماره ۳۳.
- گودرزی، پریسا؛ شعبانی، محسن. (۱۴۰۰). هوش اخلاقی: بررسی تفکر و عمل اخلاقی در مدل بربا و مدل لنینک و کیل، مجله تفکر و کودک، دوره ۱۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، ۲۳۱-۲۵۷.
- لنینک، داگ؛ کی یل، فرد. (۱۳۸۸). هوش اخلاقی، ترجمه علی محمد گودرزی، تهران: رسا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- مدنی شیرازی، سید علی خان. (۱۴۰۹). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، الامام علی بن الحسین علیه السلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- معین، محمد. (۱۳۶۱). فرهنگ فارسی معین، تهران: بهزاد.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹). زندگی در پرتو اخلاق، قم: نشر سرور.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۰). المنجد، ترجمه: محمد بندرریگی، تهران: انتشارات ایران.
- منطقی، محسن؛ جوادی حسینی، امیر؛ میردربیکوندی، رحیم. (۱۳۹۳). هوش اخلاقی و بررسی کارکردهای آن در سازمان از منظر اسلام، مجله سلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- نبلی پور، مهدی. (۱۳۸۸). بهشت اخلاق (بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی)، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ فتحی، فتانه؛ محمدزاده، سروره. (۱۳۹۷). فرا تحلیل مطالعات هوش اخلاقی، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۱۵، شماره ۳۲، ۲۴۷-۲۷۰.

